

رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و برداشت از جدیت و شدت سرقت علمی بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته زبان انگلیسی در ایران

ناصر نوری (گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران)
عباسعلی زارعی موینی* (گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران)
رجب اسفندیاری (گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران)

چکیده

این پژوهش میزان آشنایی و برداشت دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های زبان انگلیسی در ایران را از مصادیق سرقت علمی و رابطه آن با اعتقادات فرهنگی و مذهبی را بررسی کرده است. با وجود مطالعاتی چند در سایر کشورها، فقدان پژوهش‌های مربوط به ارتباط فرهنگ و مذهب با سرقت علمی در ایران، انجام پژوهش حاضر را توجیه‌پذیر می‌کند. شرکت‌کنندگان ۱۷۳ دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های آموزش زبان انگلیسی، ادبیات انگلیسی و مترجمی زبان انگلیسی بودند که به روش نمونه‌گیری مبتنی بر دسترسی به پرسش‌نامه محقق‌ساخته که پایایی و روایی آن شده بود، پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد که میزان آشنایی با مصادیق گوناگون سرقت علمی در بین دانشجویان بالاست. تحلیل واریانس دوسویه نشان داد که اعتقادات فرهنگی و مذهبی در میزان درک و آشنایی از جدیت و شدت مصادیق گوناگون سرقت علمی دانشجویان مرد و زن تفاوت معناداری ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، تأثیر اعتقادات فرهنگی و مذهبی در درک و آشنایی از سرقت علمی در دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری قابل توجه نبود. این یافته‌ها می‌تواند برای پژوهشگران و دانش‌آموختگان رشته زبان انگلیسی، کاربردهای نظری و عملی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: سرقت علمی، اعتقادات فرهنگی و مذهبی، تحصیلات تکمیلی، ایران

* نویسنده مسئول a.zarei@hum.ikiu.ac.ir

۱. مقدمه

عدم صداقت علمی پدیده‌ای جدی و شایع در مؤسسات آموزشی به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی است (ایمران و نوردین^۱، ۲۰۱۳؛ بیسلی^۲، ۲۰۱۶؛ دنیسوا-اشمیت^۳، ۲۰۱۸). عدم صداقت علمی شامل بدرفتاری‌های علمی از قبیل تقلب در آزمون، سرقت علمی و رفتارهای دیگری است که به‌نوعی به شرافت علمی آسیب می‌رسانند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که عدم صداقت علمی می‌تواند پیامدهای ناگواری برای دانشجویان، مؤسسات آموزشی و کل جامعه به‌دنبال داشته باشد (الین و تامپسون^۴، ۲۰۱۹؛ ایمران و نوردین، ۲۰۱۳).

سرقت علمی یکی از اشکال اساسی عدم صداقت علمی محسوب می‌شود. سرقت علمی به معنی ارائه‌ی عامدانه‌ی آثار دیگران به نام خود بدون اجازه صاحب اثر است (پوپواک و فانلی^۵، ۲۰۱۵؛ هونیک و بدی^۶، ۲۰۱۲). میسون^۷ (۲۰۰۹) سرقت علمی را به‌صورت استفاده‌ی عمدی و بی‌ملاحظه‌ی افکار، الفاظ و ایده‌های دیگران، بدون ارجاع شفاف به منبع مورد استفاده تعریف نموده است.

سرقت علمی آن‌قدر مهم است که در قوانین بیشتر کشورها، این پدیده جرم تلقی شده است. مثلاً در ایران، در قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه‌ی آثار علمی که مشتمل بر ماده واحد و ده تبصره می‌باشد، برای مرتکبان حقیقی مجازات جزای نقدی درجه ۳ و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۶ در نظر گرفته شده است. در تبصره‌های این قانون برای تمامی ذینفعان از جمله دانشجویان، اساتید و مؤسسات متخلف حسب تخلف مجازاتی از قبیل اخراج دانشجو، ابطال مدرک تحصیلی، تنزل

-
1. Imran & Nordin
 2. Beasley
 3. Denisova-Schmidt
 4. Alleyne & Thompson
 5. Pupovac & Fanelli
 6. Honig & Bedi
 7. Mason

رتبه یا پایه عضو هیئت علمی، اخراج یا لغو قرارداد و پلمپ مؤسسه در نظر گرفته شده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶).

بررسی پیشینه پژوهش‌های مربوط به سرقت علمی در آموزش عالی نشان می‌دهد که این موضوع همواره مشکلی برای پژوهشگران و دانشجویان و تهدیدی بر اعتبار دانشگاه‌ها بوده است (اهریچ، هاوارد، مو و بوکوسماتی^۱، ۲۰۱۶؛ سوترلند-اسمیت^۲، ۲۰۱۸؛ مدآن و چاکراواری^۳، ۲۰۱۷؛ مسیک^۴، ۲۰۱۹). پژوهش‌های اوینگ، متیسون، آناست و روهلینگ^۵ (۲۰۱۹)، بوکوسماتی، اهریچ، ایدی و بل^۶ (۲۰۱۹)، جرب، اورح، جریبک و اسپراچ^۷ (۲۰۱۸) و هوپ و هوور^۸ (۲۰۱۷)، همگی نشان‌دهنده سطوح بالای وقوع و شیوع نمونه‌های متعدد سرقت علمی در بین دانشجویان هستند. پدیده سرقت علمی در میان دانشجویان و دانش‌آموختگان زبان‌های خارجی (به‌ویژه انگلیسی) به‌طور طبیعی از دیگر رشته‌ها اندکی بیشتر دیده می‌شود. دلیل عمده آن این است که این افراد علاوه بر تمام دلایلی که دیگران را وادار به سرقت علمی می‌کنند، مجبور به نگارش مقاله یا پایان‌نامه به زبانی غیر از زبان رسمی کشورشان هستند. عدم تسلط کامل به زبان خارجی و ترس از اینکه مبادا نتوانند منظور خود را به درستی بیان کنند، افراد را ناخودآگاه به استفاده از نوشته‌های دیگران سوق می‌دهند، به‌ویژه در زبان انگلیسی که چنین مطالبی به‌وفور در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی یافت می‌شود.

در این خصوص، پژوهشگران یک سری عوامل فردی (از قبیل سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و مذهب) و عوامل زمینه‌ای (از قبیل کدهای افتخار، رفتار دوستان، درک و پذیرش سیاست شرافت علمی، رفتار اساتید و...) مرتبط با سرقت علمی را

1. Ehrich, Howard, Mu, & Bokosmaty
2. Sutherland-Smith
3. Madaan & Chakravarty
4. Masic
5. Ewing, Mathieson, Anast, & Roehling
6. Bokosmaty, Ehrich, Eady, & Bell
7. Jereb, Urh, Jerebic, & Šprajc
8. Hopp & Hoover

مطالعه کرده‌اند (امیری و خامسان، ۱۳۹۰). در مرور عوامل فردی، امیری و خامسان (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که پژوهش‌های خوب و باکیفیت مرتبط با این موضوع کافی نیست و نمی‌توان با قاطعیت درباره روابط عوامل فردی با سرقت علمی اظهار نظر کرد. یکی از زمینه‌هایی که نیاز به پژوهش‌های بیشتر دارد رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و سرقت علمی می‌باشد (برتون، تالپاد و هاینس^۱، ۲۰۱۲).

رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و سرقت علمی هنوز به‌طور کامل شناخته نشده است. در بعضی پژوهش‌ها رابطه ضعیفی بین این دو کشف شده است (میچلز و میت^۲، ۱۹۸۹؛ هولسمن، پیروچ و واسیلسکی^۳، ۲۰۰۶)، در حالی که پژوهش‌های دیگر رابطه معنادار و البته متوسطی بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و سرقت علمی یافته‌اند (برتون، تالپاد و هاینس، ۲۰۱۲؛ بلادگود، ترنلی و مورداک^۴، ۲۰۰۸؛ رتینگر و جردن^۵، ۲۰۰۵). از این رو همچنان پژوهش‌های زیادی از زوایای گوناگون می‌توانند به ابعاد رابطه این دو متغیر بپردازند. در ایران، رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و تأثیر احتمالی آن بر درک مصادیق سرقت علمی بررسی نشده است. با هدف پر کردن این خلأ و در جهت تقویت و کمک به غنای ادبیات تحقیق و در راستای افزایش دانش و آگاهی از علل و عوامل متعدد سوءرفتارهای علمی و پژوهشی، در این پژوهش رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و درک و برداشت از میزان جدیت و شدت مصادیق سرقت علمی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته زبان انگلیسی بررسی می‌گردد. به‌طور مشخص، پژوهش حاضر با طرح سؤالات زیر، به دنبال پر کردن خلأ پژوهشی موجود در ایران درباره رابطه بین مذهب و سرقت علمی است:

۱. میزان درک و آشنایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی زبان انگلیسی از جدیت و

شدت مصادیق و اشکال گوناگون سرقت علمی چقدر است؟

1. Burton, Talpade, & Haynes
2. Michaels & Miethe
3. Huelsman, Piroch, & Wasieleski
4. Bloodgood, Turnley, & Mudrack
5. Rettinger & Jordan

۲. آیا اعتقادات فرهنگی و مذهبی در میزان درک و آشنایی از جدیت و شدت مصادیق گوناگون سرقت علمی دانشجویان مرد و زن تفاوت معناداری ایجاد می‌کنند؟

۳. آیا اعتقادات فرهنگی و مذهبی در میزان درک و آشنایی از جدیت و شدت مصادیق گوناگون سرقت علمی بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری تفاوت معناداری ایجاد می‌کنند؟

۲. پیشینه و چارچوب نظری پژوهش

۲. ۱. نمونه‌های سرقت علمی در آموزش عالی ایران

پژوهشگران زیادی به بررسی و ارائه راهکارهای پیشگیری از سرقت علمی پرداخته‌اند. در همین راستا، مؤسسات آموزشی نیز مقرراتی را برای برخورد با مصادیق رفتارهای غیرعلمی و سرقت علمی تدوین کرده‌اند. ایران نیز با پدیده سرقت علمی دست به گریبان است. سرقت علمی به مشکلی جدی در فرایند آموزش کشور مبدل شده است (جمالی، ۲۰۱۱). برای مثال، هولدن^۱ (۲۰۰۹) در گزارشی با عنوان «رسوایی سرقت علمی برای مقامات علمی ایران» به بازپس دادن مقالات مقامات بلندپایه کشور توسط چهار مجله علمی پرداخته است. در این گزارش، در مورد سرقت علمی مقامات کشور، به چندین مورد مقاله اشاره شده است. از جمله مقاله‌ای در مجله مهندسی کامپیوتر در سال ۲۰۰۹ چاپ شده است که دقیقاً و کلمه‌به‌کلمه کپی‌برداری از پژوهشگران کره جنوبی در سال ۲۰۰۲ است. همچنین به رسوایی علمی توسط یکی از دیگر وزرای وقت در مقاله‌ای منتشر شده در سال ۲۰۰۶ نیز اشاره شده است.

در مطلبی دیگر، مجله دانش در گزارشی از استون^۲ (۲۰۱۶) با عنوان «در ایران، بازار سیاه فروش مقاله رونق می‌گیرد» به موضوع خیل عظیم پلاکارد به دستانی که مقالات ISI می‌فروشند یا مراکزی که پایان‌نامه می‌سازند، پرداخته است. با روایتی از خانمی که به دنبال سفارش پایان‌نامه است این گزارش به بازار خرید و فروش

1. Holden

2. Stone

پایان‌نامه و مقاله در اطراف دانشگاه تهران، به‌عنوان نماد آموزش عالی کشور، می‌پردازد. در این گزارش اشاره شده است که حدود ده درصد (۵۰۰۰ عنوان) پایان‌نامه‌ها در کشور سالانه از بازار غیرقانونی تهیه و ارائه می‌گردند.

در یازدهم آبان‌ماه ۱۳۹۵، مجله طبیعت یکی از بدترین گزارش‌ها درباره ایران را منتشر کرد. کالوای^۱ (۲۰۱۶) در این گزارش از تعلیق و بازپس فرستادن ۵۸ مقاله ۲۸۲ دانشمند و پژوهشگر ایرانی به‌دلیل جعل علمی و دستکاری در آن‌ها خبر داد. سرقت علمی، دستکاری در نام نویسندگان، دستکاری در فرایند ارزیابی علمی، فریب سیستم ارزیابی علمی، انتشار و اختصاص غیرقانونی نویسندگی مقاله از مواردی است که برای این سرقت علمی بیان شد.

نظر به حساسیت موضوع، آمار و گزارش‌های مستند و رسمی از تخلفات علمی در دسترس نیست. عمده گزارش‌ها از مصادیق و نمونه‌های سرقت علمی گهگاه در مطبوعات به چاپ می‌رسد. از جمله در گزارشی در وبسایت خبری تسنیم (۱۳۹۷)، به نمونه جالب سوءاستفاده علمی توسط عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌های معتبر کشور اشاره شده است. این استاد دانشگاه، صرفاً به‌واسطه تشابه اسمی، مقالات دیگران را حتی در مباحثی خارج از تخصصش، در پروفایل خود درج کرده بود.

به‌دنبال افزایش روزافزون تخلفات گوناگون پژوهشی در کشور و بیم از مخدوش شدن بیشتر وجهه علمی کشور در مجامع بین‌المللی اقدامات چندی صورت پذیرفت. از جمله این اقدامات می‌توان به تصویب قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی و همچنین ابلاغ دستورالعمل تخلفات پژوهشی اشاره کرد.

بیشتر پژوهش‌های پیشین در ایران، به دیدگاه و نگرش دانشجویان نسبت به سرقت علمی و دلایل بروز آن پرداخته‌اند. اتفاقی که تا حدودی در سایر کشورها نیز رخ داده است. پکوراری^۲ (۲۰۱۵) از حجم وسیع پژوهش‌ها در رابطه با درک دانشجویان و اساتید از سرقت علمی که تنها به پرسش‌های انتزاعی می‌پردازند، انتقاد

1. Callaway

2. Pecorari

می‌کند و معتقد است یافته‌های پژوهش‌های اخیر در این زمینه را می‌توان در مطالعات ارزشمند پیشین نیز یافت و نیازی به تکرار مکررات در پژوهش‌های جدید نیست. بنابراین پژوهش‌های جدید باید به جنبه‌های جدید و ناشناخته سرقت علمی بپردازند. یکی از جنبه‌های کمتر بررسی شده در جهان و نیز در ایران رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و سرقت علمی است (امیری و خامسان، ۱۳۹۰).

۲.۲. فرهنگ، مذهب و سرقت علمی

نقش فرهنگ در سرقت علمی همیشه موضوعی بحث‌برانگیز بوده است؛ موضوعی که سوودن^۱ (۲۰۰۵) به آن پرداخته است. وی بین سرقت ایده‌ها و سرقت زبان تمایز قائل شده است. به اعتقاد سوودن (۲۰۰۵) شناسایی رفتارها و برخوردهای دانشجویان چندزبانه در ارتباط با پدیده سرقت علمی، از طریق بررسی نقش عامل فرهنگ امکان‌پذیر است. پکوراری (۲۰۰۱) با گزارشی از دانشجویان ژاپنی که در تکلیفشان به منبع مورد نظر استناد و ارجاع نداشته‌اند به مالکیت مشترک دانش از منظر فرهنگ ژاپنی اشاره کرده است، بدین معنا که دانشجویان استدلال کرده‌اند که مطلب مندرج در منبع، موضوعی بدیهی بوده، عمومی شده و دانشی مشترک است، در مالکیت انحصاری مؤلف خاصی نیست و بنابراین نیازی به استناد ندارد. نکته‌ای مشابه در فرهنگ چین نیز وجود دارد که براساس آموزه‌های کنفوسیوس، بازتولید افکار و استفاده از واژگان دیگران نه تنها کاری درست بلکه راهبردی درخور ستایش تلقی می‌گردد. سوودن به مشخصه دیگری نیز در فرهنگ چین اشاره می‌کند و آن اینکه دانشجوی خوب هرگز نظرات معلمان و مقامات دیگر را به چالش نمی‌کشد بلکه وفادارانه آن‌ها را کپی و بازنشر می‌نماید. البته بعد از پرداختن به فرهنگ ژاپن و چین که در مقوله سرقت علمی در تقابل با فرهنگ غرب قرار دارد، سوودن خطر کلیشه‌سازی را مطرح می‌کند و معتقد است چنین دیدگاهی به پدیده‌هایی مانند سرقت علمی سطحی است و ریشه در زیرساخت آموزشی دارد که عمده‌تأ مبتنی بر

1. Sowden

یادگیری طوطی‌وار در این کشورهاست و طبعاً با آموزش امکان تغییر نگرش به سرقت علمی وجود دارد (لی ها، ۲۰۰۴). برای پاسخ به اختلاف فرهنگی بین دانشجویان چندزبانه با پیشینه فرهنگی متفاوت از جامعه غربی، رویه رایج، پذیرش و به‌کار بستن هنجارهای جامعه میزبان درباره پدیده سرقت علمی و تسلط به مهارت‌های لازم است؛ فرایندی که جاناکارجه^۲ (۲۰۰۲) آن را دوره شاگردی^۳ نامیده است و از آن جهت که به تقویت و مقبولیت رفتار حرفه‌ای فرد در محیط آموزشی کمک می‌کند، ارزشمند است. کورتازی و جین^۴ (۲۰۰۲) راهبرد بینابینی را به‌جای راهکار رویگردانی و تغییر پیشنهاد می‌کنند، بدین‌معنا که دانشجویان چندزبانه همزمان با حفظ فرهنگ بومی خود و یادگیری فرهنگ میزبان می‌توانند از ظرفیت‌های هر دو فرهنگ در انجام کارهای پژوهشی خود بهره‌گیرند. تاد^۵ (۱۹۹۷) معتقد است که با اتخاذ چنین رویکردی، در برخورد با پدیده سرقت علمی، می‌توان به دانشجویان خارجی اجازه داد سازگار با فرهنگ بومی خود بنویسند در حالیکه گوشه چشمی هم به روش‌های نگارش و تفکری جامعه میزبان نیز دارند.

لیو^۶ (۲۰۰۵) مخالف نظر سوودن (۲۰۰۵) است که سرقت علمی را مقوله‌ای خاص فرهنگ می‌داند و شرطی‌سازی فرهنگی^۷ را عامل اصلی سرقت علمی در کشورهای آسیایی می‌داند. وی معتقد است این استدلال که شرطی‌سازی فرهنگی اول عامل درجه‌اول سرقت علمی در بین دانشجویان چینی یا آسیایی است، مورد تردید است؛ زیرا اساساً بر اطلاعات نادرست استوار است و غالباً از طریق جهش‌های غیرمنطقی در استدلال و تلفیق مقوله‌های جداگانه و غیرمرتبط ارائه می‌شود. در حقیقت، حتی اگر بپذیریم که چنین شرطی‌سازی فرهنگی‌ای تا حدی وجود دارد، هنوز نمی‌توانیم با اطمینان بگوییم که دلیل اصلی سرقت علمی دانشجویان است.

-
1. Le Ha
 2. Canagarajah
 3. apprenticeship
 4. Cortazzi & Jin
 5. Todd
 6. Liu
 7. cultural conditioning

عوامل دیگری وجود دارند که ممکن است دانشجویان زبان انگلیسی با پیشینه فرهنگی گوناگون را به سرقت علمی وادارند، از جمله عدم تسلط کافی به زبان هدف، عدم مهارت‌های نوشتاری در یک موضوع خاص و البته اشتیاق به تقلب.

رابطه بین فرهنگ و مذهب به بحث و مجادله‌ای طولانی بدل شده است. به باور بیرزا^۱ (۲۰۱۷)، وابستگی به مذهبی خاص، متضمن یا مستلزم تعلق به فرهنگی ویژه می‌باشد. به عبارت دیگر، برای پیوند به یک فرهنگ خاص به مذهب خاص آن نیز باید تعلق داشت. پرواضح است که نمی‌توان به پیوند ناگسستنی مذهب و فرهنگ پایان داد. بویر^۲ (۲۰۰۱)، مذهب را اصطلاحی فرهنگی معرفی می‌کند. از این منظر، می‌توان مذهب و فرهنگ را واژگانی با نسبت خویشاوندی تلقی نمود. بیشتر پژوهش‌های پیشین مربوط به فرهنگ و سرقت علمی در جهان عمدتاً به مقوله قومیت یا ملیت متمرکز بوده‌اند (ارکایا^۳، ۲۰۰۹؛ جیمز، میلر و وایکوف^۴، ۲۰۱۷؛ ویلر^۵، ۲۰۱۴). با این مقدمه کوتاه و بیان اینکه مذهب پیوندی تنگاتنگ با فرهنگ دارد، رابطه فرهنگ و سرقت علمی را این بار از بُعد تأثیر اعتقادات مذهبی بررسی کردیم.

در کشورهای غربی پژوهش درباره عامل مذهب و در معنای دقیق‌تر دینداری، سابقه‌ای چندین‌ساله دارد (الماری، اوی و الداوی^۶، ۲۰۱۳). باید توجه داشت که مذهب با دینداری فرق دارد. دینداری را می‌توان روش زندگی که در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و جوامع بازتاب می‌یابد تعریف کرد (فام، والر و اردوغان^۷، ۲۰۰۴). از سوی دیگر، همین ارزش‌ها و نگرش‌ها رفتار و اعمال نهادها و مردم را شکل می‌دهد (عید و الگوهری^۸، ۲۰۱۵). در این پژوهش برای سهولت کار واژگان مذهب

-
1. Beyers
 2. Boyer
 3. Erkaya
 4. James, Miller, & Wyckoff
 5. Wheeler
 6. Al Marri, Oei, & Al-Adawi
 7. Fam, Waller, & Erdogan
 8. Eid & El-Gohary

و دینداری مترادف در نظر گرفته شده‌اند و در ادامه مطلب از واژه مذهب استفاده خواهد شد.

رابطه احتمالی بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و عدم صداقت علمی بر این فرض استوار است که چون باورهای مذهبی براساس آموزه‌های اخلاقی، ارزش‌ها، پیروی از اصول و جلوگیری از انحراف و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و پذیرش هنجارهای اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرند، پایبندی به مذهب می‌تواند مانع عدم صداقت علمی شود (گیر و بامیستر^۱، ۲۰۰۵).

تعداد پژوهش‌هایی که مستقیماً رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و سرقت علمی را بررسی کرده‌اند، بسیار اندک است. عمدتاً پژوهش‌های پیشین معطوف به بررسی رابطه مذهب با تقلب یا رابطه مذهب با عدم صداقت علمی بوده‌اند و از آنجایی که ارتباط تنگاتنگی بین سرقت علمی و تقلب تحصیلی از این منظر که هر دو نوعی بداخلاقی آموزشی محسوب می‌شوند، وجود دارد و عدم صداقت علمی نیز در برگیرنده هر دو رفتار غیرعلمی یادشده است. در این قسمت، پژوهش‌های پیشین با در نظر گرفتن این توضیح ارائه می‌گردد.

نتایج پژوهش‌های مختلف مربوط به رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و عدم صداقت علمی با هم سازگار نیستند. بعضی از پژوهش‌های پیشین در غرب نشان می‌دهد که اعتقادات فرهنگی و مذهبی تأثیر چندانی در رفتارهای متقلبانه ندارد (اسمیت، ریان و دیگنس^۲، ۱۹۷۲؛ بروگمن و هارت^۳، ۱۹۹۶؛ راندولف-سنگ و نیلسن^۴، ۲۰۰۷؛ میچلز و میت^۵، ۱۹۸۹)، اما تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که همبستگی مثبتی بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و صداقت علمی وجود دارد (برتون، تالپاد و هاینس، ۲۰۱۱؛ بلادگود، ترنلی و مودراک، ۲۰۰۸؛ پروکنر و سسگروبر^۶، ۲۰۱۳؛

-
1. Geyer & Baumeister
 2. Smith, Ryan, & Diggins
 3. Bruggeman & Hart
 4. Randoplh-Seng & Nielsen
 5. Michaels & D Mieth
 6. Pruckner & Sausgruber

پیرین^۱، ۲۰۰۰؛ رتینگر و جردن، ۲۰۰۵). برای مثال، در بررسی رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و انگیزه با تقلب، رتینگر و جردن (۲۰۰۵) به این نتیجه رسید که پایبندی بیشتر به اعتقادات مذهبی با صداقت علمی بالای دانش‌آموزان همبستگی مثبت دارد. در پژوهشی دیگر، هانگوی، گلانزر، جانسون، سریرم و مور^۲ (۲۰۱۷)، رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و صداقت علمی را در بین ۲۵۰۳ دانشجوی آمریکایی از طریق پژوهشی پیمایشی بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که حضور پیوسته در مراسم مذهبی مانعی بر ارتکاب بدرفتاری‌های علمی است.

اولاه‌خان، خالید، انور حسنین، اولاه و علی^۳ (۲۰۱۹)، تأثیر مذهب و معنویت را بر صداقت علمی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی در چهار مؤسسه آموزشی در پاکستان بررسی نمودند. نتایج نشان داد که مذهب و نه معنویت عامل تأثیرگذاری در نگرش به عدم صداقت علمی است. نگاهی اجمالی به پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که هنوز نتیجه‌ای قطعی و مشخص از رابطه بین اعتقادات فرهنگی و مذهبی و عدم صداقت علمی حاصل نگردیده است.

اعتقادات فرهنگی و مذهبی نقشی محوری در زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان ایفا می‌کنند. از آنجایی که مذهب ارزش‌های اخلاقی لازم برای زندگی را ارائه می‌دهد، می‌تواند در مقابله با کج‌رفتاری‌ها کارکردی ویژه داشته باشد. همچنین، صداقت و عدالت جزء آموزه‌های بنیادین مذاهب هستند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲). انتظار می‌رود پیروان وفادار و واقعی ادیان از اعمال غیراخلاقی و منافی آموزه‌های مذهبی پرهیز نمایند. با توجه به این موضوع، هدف این پژوهش برداشت از جدیت سرقت علمی در بین دانشجویان و رابطه آن با اعتقادات فرهنگی و مذهبی است. در خصوص پژوهش‌های مرتبط با موضوع سرقت علمی، میزان آگاهی، نگرش‌ها و عوامل مؤثر بر آن، ذکر این نکته ضروری است که در بیشتر این پژوهش‌ها، با توجه به اینکه ابزار پژوهش عمدتاً از تحقیقات دیگران اقتباس شده است، مصادیق و موارد

1. Perrin

2. Hongwei, Glanzer, Johnson, Sriram, & Moore

3. Ullah Khan, Khalid, Anwer Hasnain, Ullah, & Ali

نویسن و مختص محیط آموزشی ایران، آن‌چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. موارد جدید سرقت علمی مثل سرقت علمی ترجمه‌ای^۱، نویسندگی افتخاری^۲، نویسندگی میهمان^۳، نویسندگی سایه^۴، سرقت علمی از خود، نشر حداقلی^۵ و... در مطالعات گنجانده نشده است. برای اولین بار، در این پژوهش با استناد به سند بالادستی منتشرشده توسط دفتر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۳) با موضوع دستورالعمل بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی، موارد جدید و انواع و اشکال مندرج در دستورالعمل در تدوین پرسش‌نامه مدنظر قرار گرفت. طبیعتاً گام نخست در نیل به اهداف پژوهش در جهت پیشگیری از سرقت علمی، اطمینان از میزان آشنایی دانشجویان و اساتید با نمونه‌های سرقت علمی است. این موضوع و نیاز به تداوم تحقیقات و خلأ پژوهشی موجود در ایران در رابطه با تأثیر عامل مذهب، اهمیت پژوهش حاضر را بیشتر عیان می‌سازد.

۳. روش پژوهش

۳.۱. شرکت‌کنندگان

در این پژوهش، ۱۷۳ دانشجوی مقاطع تحصیلات تکمیلی، کارشناسی ارشد و دکتری، رشته‌های آموزش زبان انگلیسی، زبان و ادبیات انگلیسی و مترجمی زبان انگلیسی شرکت کردند. صد و سی و پنج نفر (۷۸ درصد) از شرکت‌کنندگان دانشجوی کارشناسی ارشد و ۳۸ نفر (۲۲ درصد) دانشجوی مقطع دکتری بودند. ۱۲۳ نفر (۷۱ درصد) از شرکت‌کنندگان زن و ۵۰ نفر (۲۹ درصد) مرد بودند که از دانشگاه‌های دولتی، آزاد، پیام نور و غیرانتفاعی در این پژوهش شرکت کردند.

-
1. translation plagiarism
 2. honorary authorship
 3. guest authorship
 4. ghost authorship
 5. salami-slicing

۲.۳. ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده از پرسش‌نامه مصادیق سرقت علمی استفاده شد. پرسش‌نامه سرقت علمی، توسط پژوهشگران و با استفاده از ادبیات پژوهش و همچنین اتکا به سند بالادستی دفتر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری پژوهشی وزارت علوم (۱۳۹۳) تدوین گردید. پرسش‌نامه شامل سه قسمت بود. قسمت اول مربوط به اطلاعات فردی شرکت‌کننده، قسمت دوم مربوط به مصادیق سرقت علمی و قسمت سوم مربوط به میزان پایبندی به باورها و اعتقادات مذهبی بود. قسمت میزان درک دانشجویان از شدت و جدیت مصادیق سرقت علمی شامل ۲۵ گویه از نوع طیف لیکرتی بود. قسمت مذهب پرسش‌نامه نیز شامل ۱۲ گویه پنج‌گزینه‌ای طیف لیکرتی بود. لازم به توضیح است که قسمت اعتقادات فرهنگی و مذهبی این پرسش‌نامه با استناد به پژوهش اولاه خان و همکاران (۲۰۱۹) و بهوتا، ورمیث و زیدنبرگ^۱ (۲۰۱۹) تهیه شد. جهت تأمین روایی ابزار پژوهش، در طراحی و ساخت پرسش‌نامه اقداماتی صورت گرفت. برای نگارش پرسش‌ها، متون علمی و پژوهش‌های مرتبط با موضوع به‌صورت کامل، منظم و عمیق مطالعه و مرور شد. با اتکا به سند بالادستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز استناد به پیشینه پژوهش، مصادیق و نمونه‌های سرقت علمی استخراج گردید که در واقع می‌تواند تعریف عملیاتی سرقت علمی تلقی گردد. لازم به توضیح است که سند وزارت علوم (۱۳۹۳) با موضوع دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی، از نظر پوشش دادن تمامی مصادیق سرقت علمی جامعیت^۲ کافی نداشت، طوری که بعضی از نمونه‌های سرقت علمی که در ادبیات پژوهش وجود دارد در آن به‌صورت مشخص گنجانده نشده بود. در ساخت ابزار پژوهش، نمونه‌های رایج سرقت علمی مورد توجه قرار گرفت و به پرسش‌نامه اضافه گردید. برای سنجش و تأمین روایی سازه، نسخه اولیه ابزار در اختیار چهار نفر از اساتید قرار گرفت و نظرات اصلاحی

1. Bhutta, Wormith, & Zidenberg

2. comprehensiveness

آن‌ها در ارتباط با پیکربندی (ظاهر)، نگارش و محتوای ابزار اخذ گردید. همچنین، پرسش‌نامه میان ۲۰ نفر از جمعیت هدف پژوهش یعنی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته زبان انگلیسی توزیع شد. بازخورد حاصل از این مرحله مبنی بر مشکلات پرسش‌نامه از جمله طولانی بودن، عدم مناسبت^۱، یعنی فردی بودن بیش از اندازه بعضی از پرسش‌ها (پرسش‌هایی که به بعضی از جنبه‌های خصوصی مانند طبقه اجتماعی خانواده پاسخ‌دهنده، میزان درآمد خانواده و... مربوط می‌شد)، تکراری بودن بعضی از پرسش‌های بخش مصادیق سرقت علمی، عدم شفافیت^۲ یعنی مبهم و گنگ بودن یا سوگیرانه بودن بعضی پرسش‌ها در قسمت مذهب و... مورد توجه پاسخ‌دهندگان بود و تلاش شد با تغییر، حذف، تصحیح، تعدیل و ادغام بعضی پرسش‌ها این ضعف‌ها برطرف گردد. برای بار دوم نیز پرسش‌نامه با ۱۰ نفر شرکت‌کننده مجدداً ارزیابی شد. این شرکت‌کنندگان عمدتاً از دانشجویان دکتری انتخاب گردیدند تا نظرات اصلاحی ایشان از نظر روایی ظاهری، محتوایی و ساخت ابزار پژوهش اخذ گردد. بعد از اعمال پیشنهادهای مرحله دوم ارزیابی، پایایی پرسش‌نامه نهایی با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ به دست آمد.

۳.۳. روش انجام پژوهش و تحلیل داده‌ها

پرسش‌نامه این پژوهش در گوگل فورم تهیه گردید. بعد از روایی‌سنجی و پایایی ابزار پژوهش، لینک پرسش‌نامه آنلاین از طریق گروه‌ها و کانال‌های دانشجویی تلگرامی به اشتراک گذاشته شد. همراه با لینک پرسش‌نامه، در ارتباط با داوطلبان بودن مشارکت در پژوهش، بی‌نام بودن پرسش‌نامه‌ها، حفظ اطلاعات شرکت‌کنندگان و استفاده از آن صرفاً برای اهداف پژوهشی، اهمیت پژوهش حاضر و نحوه تکمیل و ارسال پرسش‌نامه توضیحات ضروری داده شد. چندین مرحله با اشتراک مجدد لینک پرسش‌نامه، پیام‌هایی جهت یادآوری و درخواست مساعدت و مشارکت اعضا و مخاطبان ارسال گردید. در پایان ۱۷۳ پرسش‌نامه قابل بهره‌برداری به دست

1. relevancy

2. clarity

پژوهشگران رسید. داده‌های پرسش‌نامه بعد از کدگذاری وارد نرم‌افزار آماری (SPSS) گردید. برای پاسخ به پرسش اول پژوهش، آمار توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) گزارش گردید. پرسش‌های دوم و سوم با توجه به اینکه دارای دو متغیر مستقل طبقه‌ای و یک متغیر مستقل پیوسته هستند، با استفاده از روش تحلیل واریانس دوسویه پاسخ داده شدند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. بررسی پرسش اول پژوهش

برای ارزیابی درک و آگاهی دانشجویان از جدیت و شدت سرقت علمی، از پاسخ‌دهندگان خواسته شد میزان جدی بودن انواع بیست‌وپنج‌گانه سرقت ادبی را در طیف لیکرتی چهارگزینه‌ای مشخص کنند. جدول ۱ که به علت طولانی بودن در پیوست آمده است، نتایج را نشان می‌دهد.

برای درک بهتر از میزان کل آگاهی پاسخ‌دهندگان از مصادیق سرقت علمی، نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. آمار توصیفی کلی از میزان آگاهی از جدی بودن و شدت سرقت علمی

انحراف‌معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد
۱۴/۹۵۰۲۹	۸۲/۹۷۶۹	۱۰۰	۳۰	۱۷۳
				تعداد

همان‌طور که مشخص است میانگین آگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته زبان انگلیسی از شدت و جدیت نمونه‌های سرقت علمی ۸۲/۹۷۶۹ می‌باشد.

۴.۲. بررسی پرسش دوم پژوهش

هدف پرسش دوم تحقیق، بررسی اثر اعتقادات فرهنگی مذهبی در میزان آشنایی از شدت مصادیق گوناگون سرقت علمی بین دانشجویان مرد و زن است. برای این

کار از روش تحلیل واریانس دوسویه استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر گزارش شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی برای بررسی اثر مذهب در میزان درک و برداشت از جدی بودن و شدت مصادیق سرقت علمی بین دانشجویان مرد و زن

جنسیت	پایبندی به مذهب	میانگین	انحراف معیار	تعداد
مرد	پایبندی پایین	۷۸,۶۳	۱۸/۸۳۵۹۲	۳۰
	پایبندی بالا	۸۳,۲۰۰۰	۱۸/۰۹۷۹۸	۲۰
زن	پایبندی پایین	۸۴,۰۷۰۲	۱۰/۷۰۵۱۸	۵۷
	پایبندی بالا	۸۳,۹۳۹۴	۱۵/۰۷۰۹۹	۶۶

جدول ۴ نشان می‌دهد که اثر متقابل بین جنسیت و پایبندی مذهبی بر برداشت از سرقت علمی معنی‌دار نیست. همچنین اثر اصلی جنسیت بر برداشت از جدیت سرقت علمی نیز معنی‌دار نیست. اثر اصلی پایبندی مذهبی نیز از نظر آماری معنی‌دار نیست و بر خلاف انتظار، مذهب رابطه معناداری با میزان درک از جدیت سرقت علمی ندارد.

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل واریانس دوسویه برای بررسی اثر مذهب در میزان درک و برداشت از جدی بودن و شدت مصادیق سرقت علمی بین دانشجویان مرد و زن

منبع	درجه آزادی	میانگین مربع	F	P	η^2 (اندازه اثر)
جنسیت	۱	۳۲۸,۷۶۳	۱,۴۷	۰,۲۲۷	۰,۰۰۹
پایبندی مذهبی	۱	۱۶۹,۵۸۸	۰,۷۵۹	۰,۳۸۵	۰,۰۰۴
پایبندی*جنسیت	۱	۱۹۰,۱۷۷	۰,۸۵۱	۰,۳۵۷	۰,۰۰۴

۴.۳. بررسی پرسش سوم پژوهش

برای پاسخ به پرسش سوم، یعنی اینکه آیا مذهب در میزان درک و آشنایی از جدیت و شدت مصادیق گوناگون سرقت علمی بین دانشجویان کارشناسی ارشد و

دکتری تفاوت معناداری ایجاد می‌کند یا نه، مانند پرسش قبلی، تحلیل واریانس دوسویه به کار گرفته شد. که نتایج آن در جداول ۵ و ۶ آمده است.

جدول ۵. آمار توصیفی برای بررسی اثر مذهب در میزان درک و برداشت از جدی بودن و شدت مصادیق سرقت علمی بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری

تعداد	انحراف معیار	میانگین	پایبندی به مذهب	مقطع تحصیلی
۶۴	۱۵,۵۰۲۱۸	۸۲,۷۵۰۰	پایبندی پایین	کارشناسی ارشد
۷۱	۱۴,۹۱۱۵۲	۸۳,۶۱۹۷	پایبندی بالا	
۲۳	۹,۸۳۳۱۹	۸۰,۶۵۲۲	پایبندی پایین	دکتری
۱۵	۱۹,۶۷۹۰۹	۸۴,۴۶۶۷	پایبندی بالا	

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس دو سویه برای بررسی اثر مذهب در میزان درک و برداشت از جدی بودن و شدت مصادیق سرقت علمی بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری

منبع	درجه آزادی	میانگین مربع	F	P	η ² (اندازه اثر)
مقطع تحصیلی	۱	۱۱,۱۸۸	۰,۰۴۹	۰,۸۲۴	۰,۰۰۰
پایبندی مذهبی	۱	۱۵۶,۸۹۱	۰,۶۹۳	۰,۴۰۶	۰,۰۰۴
پایبندی*مقطع تحصیلی	۱	۶۲,۰۰۵	۰,۲۷۴	۰,۶۰۱	۰,۰۰۲

جدول ۶ نشان می‌دهد اثر متقابل مقطع تحصیلی و پایبندی مذهبی بر برداشت از سرقت علمی، اثر اصلی مقطع تحصیلی بر برداشت از جدیت سرقت علمی و اثر اصلی پایبندی مذهبی نیز از نظر آماری معنی‌دار نیست.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی برداشت و میزان درک دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران از جدیت مصادیق سرقت علمی و رابطه آن با مذهب بود. همچنین تأثیر جنسیت و مقطع تحصیلی بر برداشت و میزان آگاهی از سرقت علمی بررسی شد. مصادیق گوناگون و بررسی نشده سرقت علمی در محیط آموزشی ایران و همچنین نبود پژوهش‌های مربوط به رابطه بین سرقت علمی و مذهب از نیازهای مبرم پژوهشی و مورد تأکید پژوهشگران بوده‌اند (امیری و

خامسان، ۱۳۹۰؛ هونگوی و همکاران، ۲۰۱۷). هدف این پژوهش، تأمین یافته‌های آماری مستدل مرتبط با موضوع برای کمک به تصمیم‌گیران و متولیان پژوهش کشور در ایجاد و تقویت فرهنگ شرافت علمی بود.

نتایج نشان می‌دهد که با وجود اختلافات اندک، تمامی ۲۵ نوع رفتار از نظر اکثر پاسخ‌دهندگان سرقت علمی محسوب می‌شود. برداشتن اصل مقاله و ثبت آن به نام خود در محل دیگر مانند ترجمه مقاله ISI و چاپ آن در مجلات علمی داخلی جدی‌ترین نوع سرقت علمی تشخیص داده شده است و همسانی در بیان اندیشه‌ها و شباهت‌های ساختاری و واژگانی در نوشتار در میان این رفتارها از نظر شرکت‌کنندگان کمترین جدیت و شدت سرقت علمی را داراست. در پژوهشی مشابه که توسط محمدحسین‌پور، باقری و افضلی (۱۳۹۶) انجام شده، از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های زبان انگلیسی، سرقت ادبی کامل جدی‌ترین و مهم‌ترین نوع سرقت علمی شناخته شده است، گرچه در این پژوهش تعریفی مشخص و دقیق از سرقت ادبی کامل ارائه نشده است. نقل بیان و تفسیر در این پژوهش از دیدگاه دانشجویان کم‌اهمیت‌ترین نوع سرقت ادبی تشخیص داده شده است. اختلاف در نتایج پژوهش حاضر با این پژوهش را می‌توان چنانکه در قسمت پیشینه پژوهش نیز اشاره شد، در این دانست که پژوهش حاضر برای اولین بار مصادیق مختلف مورد نظر سیاستگذار پژوهشی کشور را در تدوین پرسش‌نامه مد نظر قرار داده است و بسیاری از این نمونه‌های سرقت علمی در مطالعات پیشین مورد توجه قرار نگرفته بود. مثلاً سرقت علمی از نوع ترجمه‌ای برای اولین بار در این پژوهش گنجانده شده است و از نظر دانشجویان جدی‌ترین نوع سرقت علمی شناخته شده است.

میانگین میزان درک و آگاهی از جدیت انواع مختلف سرقت علمی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های زبان انگلیسی، ۸۲/۳ است که نتیجه‌ای بسیار امیدوارکننده و قابل توجه است. بالا بودن میزان آگاهی دانشجویان از مصادیق سرقت علمی را می‌توان به دلایلی از قبیل ابلاغیه دفتر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری پژوهشی (۱۳۹۳) با موضوع دستورالعمل بررسی تخلفات پژوهشی و

مصادیق تخلفات پژوهشی، تصویب قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (۱۳۹۶)، حساسیت بالای رسانه‌ها، گزارش و افشای موارد گوناگون سرقت علمی، جدیت بیشتر مجلات تخصصی و گنجانده شدن مصادیق سرقت علمی و شیوه رویارویی با آن و به‌کارگیری نرم‌افزارهای مرتبط در وبسایت نشریات علمی، آموزش‌های لازم در سرفصل بعضی دروس مخصوصاً در مقاطع تحصیلات تکمیلی نسبت داد. همچنین چون دانشجویان تحصیلات تکمیلی سابقه انجام کار پژوهشی داشته‌اند و دانشجویان کارشناسی ارشد با توجه به الزامات دوره، تجربه نگارش پایان‌نامه و بعضی از آن‌ها برای تقویت رزومه برای ادامه تحصیل نوشتن مقاله را تجربه کرده‌اند، آگاهی آن‌ها از سرقت علمی بیشتر است. در واقع، به‌نوعی نظرات داوران مجلات در افزایش آگاهی سرقت علمی می‌تواند مؤثر بوده باشد. دانشجویان دوره دکتری نیز علاوه بر تجربه پژوهشی در دوره قبل از پذیرش در مقطع دکتری، در دوره دکتری نیز بیش از پیش درگیر مسائل پژوهشی و نگارش مقالات هستند و از این رهگذر بر دانش و آگاهی خود از موضوع سرقت علمی و مصادیق و نمونه‌های آن افزوده‌اند. همچنین با توجه به کم‌جمعیت بودن کلاس‌های دوره‌های ارشد و دکتری امکان ارتباط مؤثر و سازنده دانشجویان و اساتید بیشتر فراهم است. آموزش، راهنمایی و گوشزد کردن موارد حساس و مهم مرتبط با سرقت علمی از طرف اساتید، نظر دانشجو را بیش از پیش به مسئله جلب می‌کند. یافته‌های این پژوهش همسو با نتایج پژوهش محمدحسین پور و باقری و افضلی (۱۳۹۶) است. با این حال، این نتیجه با یافته‌های پژوهش سارلااوسکین و استاینگیس^۱ (۲۰۱۴)، مهدوی ظفرقندی، خوشرو و برکت^۲ (۲۰۱۲) و هابالی و فانگ^۳ (۲۰۱۶) تفاوت دارد، به‌گونه‌ای که از دیدگاه این پژوهشگران با اینکه سرقت علمی کار درستی نیست، چون میزان درک و آگاهی افراد از مصادیق سرقت علمی اندک است، بعضی‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه مرتکب این رفتار می‌شوند. بنابراین با توجه به این یافته‌ها می‌توان

1. Sarlauskienė & Stabbings

2. Mahdavi-Zafarghandi, Khoshroo, & Barkat

3. Habali & Fong

گفت این مسئله که عدم آگاهی از مفهوم سرقت علمی و مصادیق آن که در بعضی پژوهش‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل سرقت علمی در بین دانشجویان مطرح شده است (احمدی، ۲۰۱۴؛ امیری و رزمجو، ۲۰۱۶؛ بابایی و نژادقنبر، ۲۰۱۷؛ رضانژاد و رضایی^۱، ۲۰۱۳)، همیشه درست نیست.

نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین مذهب و برداشت از سرقت علمی وجود ندارد. این بدان معناست که باورهای مذهبی فرد به‌طور نظام‌مندی در اعمال اخلاقی او نمود پیدا نمی‌کند. این نشان می‌دهد که باور فرهنگی مذهبی دانشجویان به‌صورت نظام‌مند در رفتارهای [غیر]علمی آنان بازتاب نمی‌یابد. از نظر هادجر^۲ (۲۰۱۷)، شاید شرکت‌کنندگان سکولار شده‌اند، بدین معنا که از ارزش‌های الهی که در رفتار و اعتقادات مذهبی بازتاب می‌یابد، فاصله گرفته‌اند و این ارزش‌ها را از ارزش‌های دنیوی که در تقلب و سرقت علمی منعکس می‌شوند، جدا می‌بینند. بنابراین مذهب نقشی در رفتار اجتماعی آن‌ها ایفا نمی‌کند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌هایی مانند راندولف-سنگ و نیلسن (۲۰۰۷) و سیرلز و هندریکس^۳ (۱۹۸۰) هم‌سوست که نشان دادند بین باور فرهنگی مذهبی و رفتار متقابلانه همبستگی وجود ندارد. براساس یافته‌های حسنی و فاطمه^۴ (۲۰۱۴)، آگاهی دانشجویان از ناپسند بودن تقلب، آن‌ها را از ارتکاب تقلب برحذر نمی‌دارد. حتی بعضی پژوهش‌ها (مثل، پروکنر و سسگروبر، ۲۰۱۳ و گاتمن^۵، ۱۹۸۴) به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبتی بین مذهب و تقلب وجود دارد. یعنی هر چه فرد مذهبی‌تر باشد، بیشتر مرتکب تقلب می‌شود. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر، از جهاتی مشابه یافته‌های پژوهش ویلر^۶ (۲۰۰۹) است که نشان داد جنسیت تأثیر معناداری بر درک دانشجویان ژاپنی رشته زبان انگلیسی از سرقت علمی ندارد. اما، یافته‌های این پژوهش در تضاد با یافته‌های

-
1. Rezanejad & Rezaei
 2. Hadjar
 3. Sierles & Hendrickx
 4. Hosny & Fatima
 5. Guttman
 6. Wheeler

بسیاری از تحقیقات پیشین است مبنی بر اینکه میزان آشنایی بانوان از سرقت علمی بیشتر از مردان است (ایدگبیان-اوسه، نکیکو و اوسینلو^۱، ۲۰۱۶؛ جرب و همکاران، ۲۰۱۸؛ غانم و مزاحم^۲، ۲۰۱۹). همچنین این یافته با یافته‌های یانگ^۳ (۲۰۱۴) تفاوت دارد. یانگ نشان داد که گرچه دانشجویان معنای انتزاعی سرقت علمی را می‌دانند ولی توانایی کمی در تشخیص نمونه‌های واقعی و مصادیق سرقت علمی دارند. او همچنین نشان داد که بین مردان و زنان از نظر درک سرقت علمی تفاوت معناداری وجود دارد. براساس نظریات وارد و بک^۴ (۱۹۹۰)، این یافته پژوهش حاضر را می‌توان این‌گونه توضیح داد که وقتی زنان نیز مثل مردان به‌نوعی توجیهاتی برای زیر پا نهادن ارزش‌های اخلاقی دارند و یا وقتی از عواقب سوء رفتار خود ناآگاه هستند دست به کج‌رفتاری‌هایی می‌زنند. چنین شرایطی باعث می‌شود مردان و زنان رفتار مشابهی داشته باشند.

پژوهش همچنین نشان داد که مقطع تحصیلی تلثیری در رابطه بین مذهب و برداشت از سرقت علمی ندارد. نظر به نبود پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه برداشت از سرقت علمی و مذهب و تأثیر مقطع آموزشی بپردازند، توجیه مناسبی برای این یافته نمی‌توان ارائه کرد. یافته‌های بعضی از پژوهش‌های پیشین از جهاتی روشنگرانه است. احمدی (۲۰۱۴) نشان داد که از نظر نگرش به سرقت علمی تفاوت چشمگیری بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان انگلیسی وجود ندارد؛ زیرا فارغ از مقطع تحصیلی، دانشجویان نگرش منفی نسبت به سرقت علمی داشتند. اما، این یافته پژوهش در تضاد با نتایج تایروخام^۵ (۲۰۰۹) است. وی میزان وقوع سرقت علمی در آموزش عالی تایلند را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که نمرات اخلاق، دانش و رفتار علمی پژوهشی دانشجویان مقطع دکتری بالاتر از دانشجویان کارشناسی ارشد است.

1. Idiegbeyan-Ose, Nkiko, & Osinulu
2. Ghanem & Mozahem
3. Yang
4. Ward & Beck
5. Tayraukham

مانند هر پژوهش دیگری، این پژوهش نیز محدودیت‌هایی داشت. اولین محدودیت این بود که داده‌های گردآوری شده مبتنی بر خوداظهاری بود که ضعف‌های ذاتی دارد. دانشجویان ممکن است اطلاعات غلطی را گزارش دهند تا خوب جلوه کنند (سوگیری پاسخ از نوع مطلوبیت اجتماعی^۱). مورد دیگر مربوط به حجم نمونه شرکت‌کننده بود که نظر به اهمیت و تازگی موضوع در محیط ایران، شاید جمعیت بالای شرکت‌کنندگان می‌توانست نتایج دقیق‌تری به دست دهد. همچنین با توجه به اینکه مذهب مفهوم پیچیده‌ای است و ابعاد چندگانه‌ای دارد، امکان اندازه‌گیری دقیق آن فراهم نشده است. توجه به جنبه‌های فلسفی، رفتاری و نگرشی مذهب صرفاً با اتکای به یک پرسش‌نامه ممکن نیست (کراس، حمزه و ادريس^۲، ۲۰۰۷).

علی‌رغم محدودیت‌های بالا، این پژوهش گام نخست در درک رابطه بین باورهای فرهنگی مذهبی و سرقت علمی در ایران است و به مبانی نظری و تجربی این رابطه کمک می‌کند. پژوهش‌های آتی مخصوصاً در تداوم تحقیقات مرتبط با سرقت علمی و فرهنگ و مذهب می‌تواند به بررسی متغیرهای ارتکاب یا وقوع و بروز سرقت علمی، برداشت و درک از جدیت سرقت علمی و نگرش نسبت به سرقت علمی و ارتباط آن با مذهب بپردازد. پژوهش حاضر محدود به رشته زبان انگلیسی بود، تحقیقات بیشتر می‌تواند در سایر رشته‌های تحصیلی، در دانشگاه‌های گوناگون، با بررسی این متغیرها در بین اعضای هیئت علمی و دانشجویان و... نیز انجام شود.

کتابنامه

- امیری، م.، و خامسان، ا. (۱۳۹۰). عدم صداقت علمی تهدیدی برای شرافت نظام آموزش عالی: مروری بر عوامل فردی و زمینه‌ای. *نامه آموزش عالی*، ۴(۱۶)، ۹-۳۰.
- پایگاه خبری-تحلیلی فرارو. (۱۳۹۳، ۱۱ آذر). شوک سرقت علمی دو استاد مشهور فلسفه. برگرفته از <https://fararu.com/fa/news/21567>

1. social desirability response bias
2. Krauss, Hamzah, & Idris

خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۷، ۲۴ مهر). سوءاستفاده علمی یک استاد در دانشگاه.... برگرفته از <https://tn.ai/1853965>

ضیائی، ث.، و زمانی بهابادی، ن. (۲۰۱۶). سرقت علمی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مشهد. *فصلنامه مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*، ۳(۱)، ۸۷-۹۶.

قدردان قراملکی، م. ح. (۱۳۸۲). کارکرد دین در انسان و جامعه. *قیسات*، ۸(۲۸)، ۱۶۱-۱۸۸.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶). قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی. *سامانه ملی قوانین و مقررات*. برگرفته از <http://qavanin.ir/Law/PrintText/258941>

محمدحسین پور، ر.، باقری نویسی، ر.، و افضل‌شهری، م. (۱۳۹۶). بررسی دلایل ارتکاب سرقت ادبی و راه‌های پیشگیری از آن در جامعه علمی ایران: دیدگاه سردبیران، اساتید و دانشجویان. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی (پژوهش زبان‌های خارجی)*، ۷(۲)، ۵۵۵-۵۸۷.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۳). دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی. *دفتر سیاست‌گذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی*. برگرفته از <https://rppc.msrt.ir/fa/regulation/897>

- Ahmadi, A. (2014). Plagiarism in the academic context: A study of Iranian EFL learners. *Research Ethics*, 10(3), 151-168.
- Al Marri, T. S. K., Oei, T. P. S., & Al-Adawi, S. (2013). The development of the short muslim practice and belief scale. *Mental Health, Religion and Culture*, 12(5), 415-426.
- Alleyne, P., & Thompson, R. M. (2019). Examining academic dishonesty: Implications for future accounting professionals. In D. M. Velliaris (Eds.), *Prevention and detection of academic misconduct in higher education* (pp. 159-183). Hershey: IGI Global.
- Amiri, F., & Razmjoo, S. A. (2016). On Iranian EFL undergraduate students' perceptions of plagiarism. *Journal of Academic Ethics*, 14(2), 115-131.
- Babaii, E., & Nejadghanbar, H. (2017). Plagiarism among Iranian graduate students of language studies: Perspectives and causes. *Ethics and Behavior*, 27(3), 240-258.
- Beasley, E. M. (2016). Comparing the demographics of students reported for academic dishonesty to those of the overall student population. *Ethics and Behavior*, 26(1), 45-62.
- Beyers, J. (2017). Religion and culture: Revisiting a close relative. *HTS Theological Studies*, 73(1), 1-9.
- Bhutta, M. H., Wormith, J. S., & Zidenberg, A. M. (2019). Assessing the relationship between religiosity and recidivism among adult probationers in Pakistan.

- International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 63(5), 752-780.
- Bloodgood, J. M., Turnley, W. H., & Mudrack, P. (2008). The influence of ethics instruction, religiosity, and intelligence on cheating behavior. *Journal of Business Ethics*, 82(3), 557-571.
- Bokosmaty, S., Ehrich, J., Eady, M. J., & Bell, K. (2019). Canadian university students' gendered attitudes toward plagiarism. *Journal of Further and Higher Education*, 43(2), 276-290.
- Boyer, P. (2001). *Religion explained: The evolutionary foundations of religious belief*. New York: Basic Books.
- Bruggeman, E. L., & Hart, K. J. (1996). Cheating, lying, and moral reasoning by religious and secular high school students. *The Journal of Educational Research*, 89(6), 340-344.
- Burton, J. H., Talpade, S., & Haynes, J. (2011). Religiosity and test-taking ethics among business school students. *Journal of Academic and Business Ethics*, 4, 1-8.
- Callaway, E. (2016, November 3). Publisher pulls 58 articles by Iranian scientists over authorship manipulation. *Nature News*. Retrieved from <http://www.nature.com/news/publisher-pulls-58-articles-by-iranianscientists-over-authorship-manipulation-1.20916>
- Canagarajah, S. (2002). Multilingual writers and the academic community: Towards a critical relationship. *Journal of English for Academic Purposes*, 1(1), 29-44.
- Cortazzi, M., & Jin, L. (2002). Communication for learning across cultures. In D. McNamara & R. Harris (Eds.), *Overseas students in higher education* (pp. 88-102). New York: Routledge.
- Denisova-Schmidt, E. (2018). Corruption, the lack of academic integrity and other ethical issues in higher education: What can be done within the Bologna process? In A. Curaj, L. Deca & R. Pricopie (Eds.), *European higher education area: The impact of past and future policies* (pp. 61-75). Chem: Springer.
- Ehrich, J., Howard, S. J., Mu, C., & Bokosmaty, S. (2016). A comparison of Chinese and Australian university students' attitudes towards plagiarism. *Studies in Higher Education*, 41(2), 231-246.
- Eid, R., & El-Gohary, H. (2015). The role of Islamic religiosity on the relationship between perceived value and tourist satisfaction. *Tourism Management*, 46(3), 477-488.
- Ewing, H., Mathieson, K., Anast, A., & Roehling, T. (2019). Student and faculty perceptions of plagiarism in health sciences education. *Journal of Further and Higher Education*, 43(1), 79-88.
- Fam, K. S., Waller, D. S., & Erdogan, B. Z. (2004). The influence of religion on attitudes towards the advertising of controversial products. *European Journal of Marketing*, 38(5/6), 537-555.

- Geyer, A. L., & Baumeister, R. F. (2005). Religion, morality, and self-control: Values, virtues, and vices. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion & spirituality* (pp. 412-432). New York: The Guilford Press.
- Ghanem, C. M., & Mozahem, N. A. (2019). A study of cheating beliefs, engagement, and perception– the case of business and engineering students. *Journal of Academic Ethics, 17*(3), 291-312.
- Guttman, J. (1984). Cognitive morality and cheating behavior in religious and secular school children. *Journal of Educational Research, 77*(4), 249–259.
- Habali, A. H. M., & Fong, L. L. (2016). Plagiarism in academic writing among TESL postgraduate students: A case study. In *Proceedings of the 7th International Conference on University Learning and Teaching* (pp. 729-740). Singapore: Springer.
- Hadjar, I. (2017). The effect of religiosity and perception on academic cheating among muslim students in Indonesia. *Journal of Education and Human Development, 6*(2), 139-147.
- HEIs of Lithuania. *Proceeded-Social and Behavioral Sciences, 11*(3), 638-646.
- Holden, C. (2009). Iran science officials in plagiarism flap. *American Association for the Advancement of Science, 326*(3), 211.
- Hongwei, Y., Glanzer, P. L., Johnson, B. R., Sriram, R., & Moore, B. (2017). The association between religion and self-reported academic honesty among college students. *Journal of Beliefs and Values, 38*(1), 63-76.
- Honig, B., & Bedi, A. (2012). The fox in the hen house: A critical examination of plagiarism among members of the Academy of Management. *Academy of Management Learning and Education, 11*(1), 101-123.
- Hopp, C., & Hoover, G. A. (2017). How prevalent is academic misconduct in management research? *Journal of Business Research, 80*(2), 73-81.
- Hosny, M., & Fatima, S. (2014). Attitude of students towards cheating and plagiarism: University case study. *Journal of Applied Sciences, 14*(8), 748-757.
- Huelsman, M. A., Piroch, J., & Wasieleski, D. (2006). Relation of religiosity with academic dishonesty in a sample of college students. *Psychological Reports, 99*(3), 739-742.
- Idiegbeyan-Ose, J., Nkiko, C., & Osinulu, I. (2016). Awareness and perception of plagiarism of postgraduate students in selected universities in Ogun State, Nigeria. *Library Philosophy and Practice, 15*(3), 213–231.
- Imran, A. M., & Nordin, M. S. (2013). Predicting the underlying factors of academic dishonesty among undergraduates in public universities: A path analysis approach. *Journal of Academic Ethics, 11*(2), 103-120.
- Jamali, R. (2011). Foundation of anti-plagiarism center in Iran as prerequisite of science and technology policy. *Journal of Science and Technology Policy, 3*(3), 101-111.

- Jereb, E., Urh, M., Jerebic, J., & Šprajc, P. (2018). Gender differences and the awareness of plagiarism in higher education. *Social Psychology of Education, 21*(2), 409-426.
- Khoshroo, F., & Mahdavi-Zafarghandi, A. (2013). Incentives for academic plagiarism in Iranian EFL Masters students' perspective. *The Iranian EFL Journal, 9*(6), 276-302.
- Krauss, S. E., Hamzah, A. H., & Idris, D. (2007). Adaptation of a Muslim Religiosity Scale for use with four different faith communities in Malaysia. *Review of Religious Research, 49*(1), 147-164.
- Le Ha, P. (2004). University classrooms in Vietnam: Contesting the stereotypes. *ELT Journal, 58*(1), 50-57.
- Liu, D. (2005). Plagiarism in ESOL students: Is cultural conditioning truly the major culprit?. *ELT Journal, 59*(3), 234-241.
- Madaan, D., & Chakravarty, R. (2017). Awareness towards plagiarism among post graduate students: A case study of Dav College sector-10, Chandigarh. *Library Progress (International), 37*(2), 202-212.
- Mahdavi-Zafarghandi, A., Khoshroo, F., & Barkat, B. (2012). An investigation of Iranian EFL Masters students' perceptions of plagiarism. *International Journal for Educational Integrity, 8*(2), 69-85.
- Masic, I. (2019). Plagiarism and how to avoid it. In M. Shoja, A. Arynchyna, M. Loukas, A. V. D'Antoni, S. M. Buerger, M. Karl, & R. Sh. Tubbs (Eds.), *A guide to the scientific career: Virtues, communication, research and academic writing*, (pp.163-177). New Jersey: Wiley.
- Mason, P. R. (2009). Plagiarism in scientific publications. *The Journal of Infection in Developing Countries, 3*(1), 001-004.
- Michaels, J. W., & Miethe, T. (1989). Applying theories of deviance to academic cheating. *Social Science Quarterly, 70*(4), 872-885.
- Nushi, M., & Firoozkahi, A. H. (2017). Plagiarism policies in Iranian university TEFL teachers' syllabuses: An exploratory study. *International Journal for Educational Integrity, 13*(1), 12.
- Pecorari, D. (1998). Process citing: Avoiding plagiarism in student writing. *The Japanese Learner, 16*(2), 12-15.
- Pecorari, D. (2015). Plagiarism in second language writing: Is it time to close the case? *Journal of Second Language Writing, 30*, 94-99.
- Perrin, R. D. (2000). Religiosity and honesty: Continuing the search for the consequential dimension. *Review of Religious Research, 73*(3), 534-544.
- Pruckner, G. J., & Sausgruber, R. (2013). Honesty on the streets: A field study on newspaper purchasing. *Journal of the European Economic Association, 11*(3),
- Pupovac, V., & Fanelli, D. (2015). Scientists admitting to plagiarism: A meta-analysis of surveys. *Science and Engineering Ethics, 21*(5), 1331-1352.
- Randolph-Seng, B., & Nielsen, M. E. (2007). Honesty: One effect of primed religious representations. *The International Journal for the Psychology of Religion, 17*(2), 303-315.

- Rettinger, D. A., & Jordan, A. E. (2005). The relations among religion, motivation, and college cheating: A natural experiment. *Ethics and Behavior*, 15(2), 107-129.
- Rezanejad, A., & Rezaei, S. (2013). Academic dishonesty at universities: The case of plagiarism among Iranian language students. *Journal of Academic Ethics*, 11(4), 275-295.
- Riasati, M., & Rahimi, F. (2013). Why do Iranian postgraduate students plagiarize? A qualitative investigation. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 14(3), 309-317.
- Sarlauskiene, L., & Stabbings, L. (2014). Understanding of plagiarism by the students in
- Sierles, F., & Hendrickx, I. (1980). Cheating in medical school. *Academic Medicine*, 55(2), 124-5.
- Smith, C. P., Ryan, E. R., & Diggins, D. R. (1972). Moral decision making: Cheating on examinations. *Journal of Personality*, 40(3), 640-660.
- Sowden, C. (2005). Plagiarism and the culture of multilingual students in higher education abroad. *ELT Journal*, 59(3), 226-233.
- Stone, R. (2016, September 16). In Iran, a shady market for papers flourishes. *Science*, 353(6305), 1169. Retrieved from [https:// science .sciencemag. org/ content/353/6305/1197](https://science.sciencemag.org/content/353/6305/1197).
- Sutherland-Smith, W. (2018). Is student plagiarism still a serious problem in universities today? In D. Pecorari & P. Shaw (Eds.), *Student plagiarism in higher education* (pp. 47-61). Routledge: London.
- Tayraukham, S. (2009). Academic ethics in research methodology. *The Social Sciences*, 4(6), 573-577.
- Todd, E. S. (1997). Supervising overseas students: problem or opportunity. In D. McNamara & R. Harris (Eds.), *Overseas students in higher education: Issues in teaching and learning* (pp. 173-186). London: Routledge.
- Ullah Khan, I., Khalid, A., Anwer Hasnain, S., Ullah, S., & Ali, N. (2019). The impact of religiosity and spirituality on academic dishonesty of students in Pakistan. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 8(3), 381-398.
- Ward, D. A., & Beck, W. L. (1990). Gender and dishonesty. *The Journal of Social Psychology*, 130(3), 333-339.
- Wheeler, G. (2009). Plagiarism in the Japanese universities: Truly a cultural matter?. *Journal of Second Language Writing*, 18(1), 17-29.
- Yang, W. (2014). *A quantitative study of ESL/EFL students' understanding of plagiarism* (Unpublished doctoral dissertation). Indiana University of Pennsylvania, Indiana.
- Yasami, Z., & Yarmohammadi, L. (2014). Iranian postgraduate students' perception of plagiarism. *Journal of Studies in Learning and Teaching English*, 2(6), 49-63.

پیوست

جدول ۱. میزان درک و آگاهی دانشجویان از جدی بودن و شدت اشکال متعدد سرقت علمی

ردیف	اهمیت و جدی بودن انواع سرقت علمی	سرقت علمی تست		سرقت علمی جزئی است.		سرقت علمی متوسط است.		سرقت علمی فراوانی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
1	جمل کردن و دست بردن در لیست منابع و مآخذ	۹	۵۲	۲۶	۱۵	۴۰	۲۳،۱	۹۸	۵۶،۶
2	جمل کردن و دست بردن در داده ها و ارقام و آمار	۱۵	۸۲	۱۰	۵۸	۳۱	۱۷،۹	۱۱۷	۶۷،۶
3	تفسیر یا کپی جملات از منابع مکتوب بدون استناد و ارجاع به آن	۹	۵۲	۱۶	۹،۲	۳۵	۲۰،۲	۱۱۳	۶۵،۶
4	تفسیر یا کپی جملات از منابع الکترونیک (مثل اینترنت) بدون استناد و ارجاع	۱۰	۵۸	۱۶	۹،۲	۴۴	۲۵،۴	۱۰۳	۵۹،۶
5	خرید مقاله یا پایان نامه از اینترنت، دفاقر مقاله و پایان نامه نویسی و تحویل آن به استاد	۱۵	۸۲	۱۰	۵۸	۲۸	۱۶،۲	۱۲۰	۶۹،۶
6	کپی نمودن عین جملات یا مونتاژ نمودن پراگرافها از منابع گوناگون، بدون اشاره به مآخذ آنها	۶	۳۵	۸	۴،۶	۳۷	۱۵،۶	۱۳۲	۷۶،۳
7	تحویل کاری که توسط دیگران انجام شده است به عنوان کار شخصی	۷	۴	۷	۴	۲۵	۱۴،۵	۱۳۴	۷۷،۵
8	اقتباس و بازنویسی نزدیک افکار و الفاظ نویسنده ی دیگر	۳۳	۱۳،۳	۳۰	۱۷،۳	۶۶	۳۸،۲	۵۴	۳۱،۲
9	تأثیر و همسانی در بیان اندیشه ها و شباهت های ساختاری و واژگانی در نوشتار	۳۱	۱۷،۹	۲۷	۲۷،۲	۶۵	۳۷،۶	۳۰	۱۷،۳
10	انتصاب ایده ها، نظریات، فرآیندها، نتیجه ها یا کلمه های دیگران به خود، بدون ارجاع مناسب و یا نیت ارائه به عنوان کار خویش	۹	۵۲	۹	۵،۲	۳۶	۱۵	۱۲۹	۷۴،۶
11	استفاده یا تقلید از زبان، فکر و یا نوشته نویسنده دیگر و ارائه آن بنام خویش	۱۰	۵۸	۱۵	۸،۲	۳۰	۱۷،۳	۱۱۸	۶۸،۲
12	استفاده از کار شخص دیگر به شکل کلمات فرآورده ها و یا نظریات برای نفع شخصی، بدون ارجاع به کار اولیه	۸	۴،۶	۱۳	۷،۵	۳۱	۱۷،۹	۱۲۱	۶۹،۹
13	ترجمه ی کلی یا پستی از آثار دیگران بدون کسب اجازه از میزبان ذریع، و معرفی آن به عنوان یک پژوهش اصیل علمی	۹	۵۲	۹	۵،۲	۳۷	۱۵،۶	۱۲۸	۷۴
14	پرداختن اسبق یک مقاله و ثبت آن به نام خود در مجل دیگر مانند ترجمه یک مقاله ISI و چاپ آن در مجلات علمی داخلی	۹	۵۲	۵	۲،۹	۱۴	۸،۱	۱۴۵	۸۳،۸
15	ارائه مقاله چاپ شده دیگران در سمینارهای داخلی یا خارج کشور	۱۱	۶،۴	۴	۲،۳	۲۳	۱۲،۳	۱۳۵	۷۸
16	کپی کردن چارچوب و ساختار نوشتاری نویسنده دیگر	۱۹	۱۱	۴۶	۳۶،۶	۴۹	۲۸،۳	۵۹	۳۴،۱
17	کنجاندن نام فرد یا افرادی در لیست نویسندگان به عنوان نویسنده همکار مده ن نقش علمی. قلم. قلم. نامه ام. الهام ده نگارش و انجام کار	۱۹	۱۱	۲۱	۱۲،۱	۳۶	۲۰،۸	۹۷	۵۶،۱
18	ترجمه مجدد یک اثر به زبان میزبان بدون استناد و ارجاع. مثلا ترجمه مجدد کتاب یا مقاله ایی از فارسی به انگلیسی بدون ارجاع و استناد. (ذبان اصلی و اولیه نیز انگلیسی بوده است.)	۱۰	۵۸	۱۱	۶،۴	۴۰	۲۳،۱	۱۱۲	۶۴،۲
19	پرداخت یا دریافت پول به ناز دیگران جهت انجام کار و پروژه یا نگارش مقاله و پایان نامه و تحویل این کار به عنوان کار شخصی	۲۱	۱۲،۱	۱۰	۵،۸	۳۴	۱۹،۷	۱۰۱	۵۸،۴
20	استفاده از متن چندین منبع و ترکیب و ادغام و تسمیع آنها بدون استناد و ارجاع	۱۱	۶،۴	۱۸	۱۰،۴	۴۳	۲۴،۹	۱۰۱	۵۸،۴
21	تحویل کار گروهی و جمعی به عنوان کار فردی	۹	۵۲	۱۶	۹،۲	۳۳	۱۹،۱	۱۱۵	۶۶،۵
22	اقتباس و بازنویسی قفاظ دیگران و به هم دوختن آنها با جایگزین سازی مترادف و مقابله ها و تعبیرات جزئی در ساختار کار اصلی بدون ارجاع و استناد	۷	۴	۲۷	۱۵،۶	۵۳	۳۰،۶	۸۶	۴۹،۲
23	استفاده مجدد یا چاپ مجدد یا همزمان یک مقاله در چند مجله	۳۶	۱۵	۲۸	۱۶،۲	۳۶	۲۰،۸	۸۳	۴۸
24	استفاده از داده ها و مقالات و کارهای قبلی خود بدون ارجاع و استناد	۲۲	۱۲،۷	۲۱	۲۳،۷	۴۸	۲۷،۷	۶۲	۳۵،۸
25	تقسیم کردن یک کار کلی مثل پایان نامه به کارهای کوچکتر و استفاده از داده های یکسان یا مدف استخراج مقالات بیشتر در حالیکه امکان چاپ یک کار کلی وجود داشته باشد بدون اشاره و اطلاع رسانی موضوع به سردبیر	۲۵	۱۴،۵	۴۲	۲۴،۳	۴۴	۲۵،۴	۶۲	۳۵،۸

درباره نویسندگان

ناصر نوری دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی است. زمینه‌های پژوهش ایشان آموزش چندزبانه، تنوع‌زبانی و انگلیسی با اهداف ویژه است.

عباسعلی زارعی موینی دانشیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی است و زمینه‌های پژوهش ایشان فراگیری واژگان، اصطلاحات و هم‌نشین‌هاست.

رجب اسفندیاری استادیار زبان‌شناسی کاربردی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی است و زمینه‌های پژوهش ایشان سنجش زبان، انگلیسی با اهداف ویژه و طراحی و اعتبارسنجی آزمون‌های زبان است.